

# بررسی تطبیقی گرگویل‌ها و سرستون‌های تخت جمشید

علیرضا طاهری\*  
سالومه شعر باف علیایی\*\*

## چکیده

گرگویل‌ها، مجسمه‌های قرار گرفته در بخش بیرونی کلیساهای قرون وسطی بوده که دارای اهداف تزئینی و کاربردی هستند، موجودات افسانه‌ای که بر اساس کاربردشان در معماری، به عنوان آبراه استفاده شده و نیز به لحاظ ظاهر هراس‌آورشان، دارای مفاهیم شر و اهریمنی بوده و به همین دلیل در بیرون از کلیساهای قرار گرفته‌اند. این هیولاها در اعتقادات مسیحی قرون یازدهم و دوازدهم میلادی تاثیر بسزایی گذاشته‌اند. گرگویل‌ها به لحاظ ترکیب ساختار بدنشان دارای انواع گوناگونی می‌باشند. این شیوه و اسلوب کاربرد عناصر معماری با هیبت و شمایل موجودات افسانه‌ای و واقعی نیز قرن‌ها پیش از خلق گرگویل‌های قرون وسطایی، در هنر معماری هخامنشی در کاخ شوش و به ویژه تخت جمشید به کار گرفته شده بود. در تخت جمشید، سرستون‌های به شکل حیوانی و موجودات افسانه‌ای به صورت پشت به پشت قرار گرفته‌اند. این شیوه مرسوم ستون‌سازی هخامنشی بود که به معماران اجازه می‌داد که از فضای پشت (کمر) حیوانات برای قرارگیری تیرهای حامل سقف استفاده کنند. همین امر باعث می‌شد که سرستون‌های تخت جمشید نیز همانند گرگویل‌های کلیساهای گوتیک، علاوه بر حالت تزئینی و نمادین، به عنوان یکی از عناصر مهم معماری کاربرد داشته باشند. بنابر این، سرستون‌های تخت جمشید و گرگویل‌های کلیساهای گوتیک از برخی جهات، به لحاظ عملکرد و مفاهیم نمادین، دارای اشتراکات و افتراقاتی می‌باشند.

در این مقاله با استفاده از کتب، تجزیه و تحلیل داده‌ها، تصاویر و اطلاعات جانبی و سایت‌های اینترنتی، سعی خواهد شد که علاوه بر آشنائی با گرگویل‌ها، ساختار و مفاهیم اسرارآمیز آنها، به علل و آثار استفاده از آنها در زمینه‌های گوناگون پرداخته و مقایسه‌ای هم با سرستون‌های تخت جمشید (به شکل حیوانات تخیلی و واقعی) و کاربرد این دو شیوه در معماری به عمل آید. گرگویل‌ها از لحاظ ترکیب ساختار بدنشان شامل سه گونه انسانی، حیوانی و ترکیبی هستند. گرگویل‌های ترکیبی را نیز می‌توان به چهار گروه تقسیم بندی نمود:

- "انسان-گیاه"

- "انسان-گیاه-حیوان"

- "انسان-حیوان"

- "حیوان-حیوان"

موجودات ترکیبی سرستون‌های تخت جمشید را نیز می‌توان با دو گروه مشخص نمود:

- ترکیبات "حیوان-حیوان"، مانند گریفین

- ترکیبات "انسان-حیوان"، مانند لاماسو

واژه‌های کلیدی: گرگویل، گوتیک، هخامنشی، سرستون، گروتسک، حیوانات ترکیبی

## مقدمه

اوج هنر عصر هخامنشیان در معماری تخت جمشید نمایان می‌شود. در این مجموعه، نقوش زیادی از جانوران واقعی و خیالی دیده می‌شود. سرستون‌های تخت جمشید عموماً به شکل این موجودات ساخته شده که به عنوان عناصر معماری کاربردی و مفاهیم نمادین نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بنابر این قابل مقایسه با گرگویل‌های قرون وسطی می‌باشند. سوالاتی که در اینجا مطرح می‌شود این است که نقاط اشتراک و افتراق آنها در چیست؟ ساختار ترکیبی بدن آنها بر چه اساسی است؟ چگونه

بسیاری از فرهنگ‌ها در طول تاریخ، موجودات خارق‌العاده-ای را خلق کرده‌اند که نمایانگر اعتقادات و یا برداشتی از آداب و رسوم گذشتگان آنها می‌باشد. این مخلوقات تخیلی در بسیاری موارد علاوه بر وجه اعتقادی، به گونه‌ای ملموس کاربردی هستند. گرگویل‌ها از قرون وسطی تا به امروز در معماری کلیساهای با اهداف کاربردی و تزئینی به کار برده شده‌اند. استفاده از گرگویل‌ها به عنوان آبراه‌ها به قرن دوازدهم میلادی می‌رسد.



تصویر (۱): سیستم دفع آب باران از سقف توسط گرگویل، کلیسای آمین، فرانسه.

بیرون می ریزد. (تصویر ۱)  
واژه "گرگویل" (gargoyle) از لغت فرانسوی gargouille  
اقتباس شده که به معنای گلو یا مری است. معادل های لاتین  
gula و gurgulio، کلمات مشابه مشتق شده از ریشه gar، به  
معنای بلعیدن هستند که بیانگر صدای غل غل آب می باشد.  
(American Heritage, 2000: ۷۲۵)

برخی از گرگویل ها جنبه تزئینی ندارند و اغلب بسیار تخیلی  
و یا زشت و غیر عادی، به شکل جانور یا انسان و یا ترکیبی از  
آنها هستند. این واژه، به هر گروتسک<sup>۱</sup> حکاکی شده در  
ساختمان های قرون وسطی نیز اطلاق می شود.  
(Trubshaw, 1999: ۲)

بنا بر برخی روایات، موجودات خیالی ابتدا در هنر عیلام و  
سپس در مصر و بین النهرین ظاهر شده اند. معماری روم و  
یونان به حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد باز می گردد. در معماری  
یونان و روم نیز از موجودات خیالی در نقش برجسته ها استفاده  
می شده است.

آبراه های سفالی به شکل شیر، عقاب و دیگر موجودات (که  
گاهی اساس آنها اسطوره های یونانی و رومی است) بسیار  
رایج بودند. آبراه های گرگویل حتی در خرابه های پمپئی<sup>۲</sup>  
یافت شده است. مصریان نیز از اشکال گروتسک در معماری  
و نقاشی های دیواری شان استفاده نموده اند. در مصر،  
گرگویل ها، آب حاصل از شستشوی ظروف مقدس را که به  
نظر می رسد بر روی سقف مسطح معابد انجام می شده، دفع  
می کردند.

در یونان نیز آب باران سقف معابد یونانی، از دهان شیرهای  
حکاکی شده بر روی رخبام قرنیزها، به بیرون هدایت می شده  
است، در حقیقت، همین ها گرگویل های یونانی بودند.  
(Smirke, 1862: ۱۱۲)

گرگویل ها در قرون وسطی شهرت بسیاری یافتند. کلیساهای  
ساکسونی ها (کمی قبل از قرون وسطی) معمولاً دارای آبراه  
هستند، اما اثبات اینکه آنها جزء نقشه ی اصلی کلیسا بوده یا  
بعدها به ساختمان اضافه شده اند، مشکل است. در ساختمان  
بزرگ عصر ملکه الیزابت (کمی بعد از قرون وسطی) نیز از  
کانال ها و آبراه ها استفاده شده است. در حقیقت عصر  
ویکتوریا<sup>۳</sup> باعث بوجود آمدن تعداد زیادی از گرگویل هاست.

می توان آنها را برای شناسائی بهتر گروه بندی نمود؟  
در خصوص گرگویل ها مطالب زیادی در منابع هنری و کتب  
تاریخ هنر در ایران موجود نیست، در این پژوهش سعی خواهد  
شد که علاوه بر آشنائی با ساختار و مفاهیم رمزپردازانه آنها،  
مقایسه ای هم با سرستون های تخت جمشید که به شکل  
حیوانات تخیلی و واقعی ساخته شده اند و کاربرد این دو شیوه  
در معماری به عمل آید.

## گرگویل

در معماری، "گرگویل"، یک آبراه است که از ناودان سقف  
یا قسمت بالایی ساختمان، به منظور هدایت آب، به خارج از  
دیوارها و یا پایه ها، بیرون زده است.

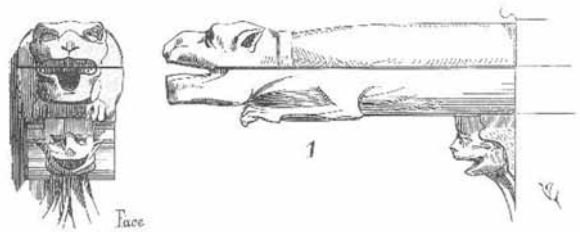
(Encyclopedia Americana, 1991: ۳۰۷)

آب با کمک برشی که در پشت گرگویل تعبیه شده است، به  
اندازه طول آن به دور از دیوارها می شود و از دهان گرگویل

۱- گروتسک (Grotesque)، تزئینات دیواری است که بوسیله نقوش معماری خیال پردازانه و آرابسک و همچنین ترکیبی از نقوش کوچک به وجود  
می آید. این نقوش تداوم دوران رنسانس و میراثی از روم قدیم است که الهام بخش بسیاری از هنرمندان تزئین کار تا قرن نوزدهم میلادی بودند.  
(Dictionnaire Encyclopedique, 2000: ۷۲۲)

۲- پمپئی (Pompeii): یک شهر رومی ویرانه و تقریباً دفن شده، در نزدیکی ناپل امروزی در ناحیه ایتالیایی کامپانیا (Compania) در قلمرو کمون  
(Comune) از پمپئی می باشد. پمپئی به همراه شهر خواهر خود هرکولانیوم، در زمان فعال شدن آتشفشان دو روزه ویسویوز (Vesuvius) در سال ۷۹  
میلادی تخریب و کاملاً مدفون شد. این شهر بصورت تصادفی در سال ۱۷۴۸ میلادی دوباره کشف شد.

۳- ویکتوریای اول (تولد لندن ۱۸۱۹-وفات اسبوم جزیره وایت ۱۹۰۱)، ملکه بریتانیای کبیر و ایرلند (۱۹۰۱-۱۸۳۷) و نوه جورج سوم. با وجودی  
که وی به قوانین پارلمانی احترام می گذاشت، چندین بار با وزرای اصلی خویش مشکل پیدا نمود. ویکتوریا در زندگی سیاسی بریتانیای کبیر تأثیر  
زیادی گذاشت. دوره وی به عصر ویکتوریا و اوج قدرت سیاسی و اقتصادی معروف است. (Le Petit Larousse illustre, 200: 1745.)



تصویر (۲): نمای روبرو و جانبی از یک گرگویل، کاتدرال لائون، فرانسه.

در صورتی که دوره احیای گوتیک بزرگترین و متنوع ترین گرگویل ها و گروتسک ها را دارد.

ساخت کلیساها و کلیساهای جامع قرون وسطی نسل ها به طول انجامید. بنابراین تاریخ گذاری خلق گرگویل ها کاری مشکل بوده و جایگزین شدن آنها به علت خرابی و سستی، نیز این کار را دشوارتر کرده است. با این وجود می توان گفت که گرگویل ها در اوایل قرن دوازدهم میلادی ظاهر شدند. در عصر گوتیک به خصوص قرن سیزدهم میلادی به بعد، در سبک تزئینی و قائم گوتیک، گرگویل ها به عنوان شیوه برگزیده برای شبکه های فاضلاب درآمدند (تصویر ۲).

(Benton, 1997: ۱۲-۱۱)

سنگ تراشان تا اواسط قرن دهم میلادی از شمال اهریمنی در مجسمه های مذهبی استفاده نکرده بودند. با این حال با فرا رسیدن سال ۱۰۰۰ میلادی، پیشگویی تورات که ظهور مجدد حضرت مسیح (ع) را وعده داده بود باعث نگرانی مردم از رسیدن آخر زمان شد. در نتیجه شرایط حاصل از این پیش بینی ترس آور، اهریمن و یارانش در اواسط قرن دهم و اوایل قرن یازدهم میلادی بر روی سر ستون ها، کتیبه های تزئینی ورودی ها و سنتوری ها در کلیساها به دفعات به شکل انسان

های هیولایی با بال های مضرس و دم های شاخه شاخه و یا اژدها ظهور یافتند. هدف از این خلقت، اعمال نفوذ مذهبی همراه با ترس بود. (Evans, 1896: ۳۳۳-۳۳۴)  
اشکال گرگویل های قرون وسطی، به مرور، در طی سال ها تکامل یافته اند. به گونه ای که بلند تر شده و نسبت به نمونه های اولیه خود از حکاکی قوی تری برخوردار گردیدند. در اواخر قرن سیزدهم میلادی، اشکال پیچیده تر گردیده و شمایل انسان جایگزین شمایل حیوان شد. این نقوش تا قرن چهاردهم میلادی به طور عام، بلند، باریک، اغراق آمیز و کاریکاتوری شدند. در قرن پانزدهم میلادی، آنها حتی دیگر اهریمنی هم نبودند، بلکه بیشتر سرگرم کننده با چهره و حالت های جدی و فعال ظاهر شدند. (Benton, 1997: ۱۲-۱۵)

همچنانکه موضوعات نمایان شده در مجسمه های گوتیک، در طی سال ها گرایش بیشتری به موضوعات غیر مذهبی پیدا کردند، به نظر می رسد گرگویل ها نیز مضمون مذهبی خود را از دست دادند. آنها تا قرن شانزدهم میلادی بر روی ساختمان ها مورد استفاده قرار گرفتند.

در حقیقت منشاء گرگویل "واقعی" (کلاسیک)، نزدیک پاریس امروزی بود. فرانسه دارای بیش از یکصد کلیساست که بیشتر آنها در سده های میانه ساخته شده اند و مشهورترین آنها نوتردام پاریس است. در طی یکصد سال با گسترش معماری گوتیک، گرگویل ها در سرتاسر اروپا ظاهر شدند. گرگویل کلاسیکی که امروزه با آن آشنا هستیم دیگر محدود به جغرافیا و زمان نیست و همانطور که در قدیم بوده، امروزه نیز دیده می شود. گرگویل های مشابه به کلیسای نوتردام را، می توان در اسپانیا، هلند، نیویورک و شیکاگو نیز یافت. یک مجموعه مدرن از گرگویل ها نیز در کلیسای ملی واشنگتن دی. سی. وجود دارد.

## کاربرد

کاربرد گرگویل ها بسیار متنوع است و مهم تر از همه، اهداف معماری آنهاست که امروزه تقریباً رو به زوال رفته است و تنها تعداد کمی از گرگویل ها جنبه کاربردی دارند. گرگویل ها در ساختمان های قرون وسطی بسیار رایج بودند، چون تقسیم جریان آب که از دهان گرگویل ها به بیرون می ریخت، باعث جلوگیری از فرسایش ساختمان می شد. (Benton, 1997: ۱۴)  
در ابتدا، آبراه ها سرامیکی یا چوبی بودند که استفاده از سنگ، امکان حکاکی آنها در فرم های تزئینی را جالب تر نمود. یک عملکرد مهم دیگر گرگویل ها، می تواند آموزش مذهبی برای مردمی باشد که در آن زمان بیشتر آنها بی سواد بودند. به همین دلیل کلیساها، تصاویر بصری حیرت آوری را برای انتشار نوشته های مذهبی، همچون گرگویل ها، شیشه های رنگی و مجسمه ها مورد استفاده قرار می دادند.

زمانی که بی سواد یک حقیقت جهانی و اعتقاد یک بحث تحت اللفظی بود، هدف بیشتر مجسمه های کلیسایی، غیر تزئینی و آموزنده بود. هدف این بود که تماشاگر را بترساند.



تصویر (۳): گرگویل حیوانی، کلیسای جدید دلف، هلند.



تصویر (۵): گرگویل شیر، کلیسای لچفیلد، انگلستان.



تصویر (۴): گرگویل سگ، کلیسای سنت اربین، فرانسه.

عقیده بر این بود که شیاطین یا می ترسیدند و می گریختند، و یا با فرض اینکه که موجودات اهریمنی حضور دارند دیگر به ساختمان ها حمله نمی کردند. این می تواند یکی از دلایلی باشد که چرا گرگویل ها کمتر زیبا، و بیشتر ترسناک هستند. آنها می توانند نوعی مترسک مقدس برای ترساندن اهریمن نیز باشند. (Benton, 1997: ۲۴)

فرانسیس بیلینق تاریخ دان معماری انگلیسی، مفهوم گرگویل را به عنوان یک چیرگی نمادین و اصلاح توسط کلیسا، حتی در هیولایی ترین شکل های اهریمنی، فرض می کند. در هر صورت گرگویل ها، به عنوان یک نماد مورد استفاده قرار می گرفتند و به روش های متفاوتی تفسیر می شدند. آنها نمایانگر ارواح محکوم به گناه می باشند که ورود به کلیسا برایشان مهم بود و با اینکه از هلاکت ابدی رهایی پیدا کرده بودند اما با این حال جزای گناه آنها تبدیل شدن به سنگ بود. (ibid:25)

### ساختار و طبقه بندی گرگویل ها

گرگویل ها می توانند اشکال متعدد و متنوعی داشته باشند، که در بین آنها اژدها، اهریمن و موجودات ترکیبی متداول تر

در رابطه با عملکرد آموزشی، آنها می توانستند نمادی از نیروهای اهریمنی مانند گناه و هوس باشند. بازدیدکنندگان با گذر از گرگویل های در کمین نشسته در خارج از کلیساهای مقدس، درون کلیسا امنیت شان تضمین می شد. (ibid: ۲۴) برجسته تر شدن گرگویل ها در قرون وسطی، به دلیل استفاده آنها در کلیساها و ساختمان ها بود. یکی از قابل توجه ترین نمونه های معماری گوتیک که فراوان از گرگویل و گروتسک استفاده نموده، کلیسای نوتردام پاریس است.

کلیسا به این تصاویر شیطانی حکاکی شده به روی سنگ، به عنوان تصویری از شستن گناهان عالم، توسط مسیحیت و ترساندن شیطان می نگرد، یا با توجه به تحقیقات دارلین کریست، "آنها بر روی کلیساها قرار گرفته اند تا کافران، همان ایمان آورندگان آینده، را به داخل هدایت کنند." (Christ, 2001: ۱۶)

برخی نیز اعتقاد دارند که قرار گرفتن تصاویر اهریمن و اژدها بر روی ساختمان های مذهبی، برای مطیع نمودن آنها و تسلیم در مقابل نیروی قدرتمند مسیحیت بوده است.

کاربرد دیگر گرگویل ها، راندن ارواح اهریمنی و حفاظت از ارزش های داخل کلیسا (در ادامه ی سنت یونانی) است.



تصویر (۶): گرگویل قوج، دانشکده کلیسای وودرو، بلژیک.

احتمالاً مربوط به ایمان قرون وسطی نسبت به زشتی جسم و بیماری است که توسط اهریمن و شیاطین به وجود آمده است. اگر جاری شدن آب از یک شیء توسط شکلی از انسان انجام شود، می تواند به شمایل نگاری مسیحیت مربوط باشد. تعدادی از آنها تنها شامل سری از انسان هستند. تعداد زیادی نیز وجود دارند که کاریکاتوری از یک شخص یا گروهی از افراد هستند. آنها ممکن است قصد ترساندن نداشته باشند اما کسانی که آنها را می بینند دچار هراس می شوند. بیشتر گرگویل های انسانی با دهانی باز مشاهده می شوند که



تصویر (۷): گرگویل پرنده، کلیسای نوتردام، پاریس

هستند. گرگویل ها را می توان براساس ظاهرشان به گروه های زیر تقسیم نمود:

- گرگویل های حیوانی
- گرگویل های انسانی
- گرگویل های ترکیبی

### گرگویل های حیوانی

گرگویل های حیوانی با درجات متفاوتی از وفادار بودن به طبیعت، نمایان شده اند. بیشتر حیوانات، به نظر چنان قرار گرفته اند که با چنگال هایشان بر روی ساختمان ها آویزان شده اند. آنها چنان خود را به بیرون ساختمان می کشند که انگار سعی می کنند آب را هر چه دورتر از ساختمان پرتاب کنند. نقوش، فقط حیواناتی مانند شیرها و میمون ها نبودند که سنگ تراش آنها را به چشم دیده بود، بلکه حیوانات خارق العاده و خیالی مانند اژدها را نیز شامل می شدند. اطلاعات آنها راجع به این حیوانات، از کتاب فیزیولوگوس<sup>۱</sup> (قصص حیوانات) یا از باغ وحش های سیار بدست می آمد. (Vaux, 1989:9)

بعضی از حیوانات مانند شیرو سگ، به دلیل مفاهیم مثبت و منفی خاص خود بیشتر مورد استفاده قرار گرفته اند.

(Benton, 1997: ۸۲)

سگ (نماد وفاداری)، هوش و قدرت بالایی در استدلال دارد، بنابراین نمادی از کلیساست که نگران جامعه و در حال دور کردن شیاطین است. سگ فقط حاوی مفاهیم مثبت نبود، او را می شود مانند گرگ - برای ترساندن - نیز تفسیر کرد (تصویر ۴).

(Vaux, 1989:21)

شیرها و گربه سانان (نماد شاهان سومری، آشوری و پارسی در دوران باستان)، بیشترین حیوانات به کار رفته در هنر قرون وسطی بوده اند. در اواخر قرون وسطی، شیر به نماد غرور تبدیل شد (تصویر ۵). (Benton: ۸۶)

قوج، نماد یک روحانی است که مردم را هدایت می کند (تصویر ۶). روباه، حیوان زیرک و حیله گر که به عنوان نماد مرگ نیز استفاده می شد. میمون، اهریمنی و یا نمادی برای سقوط آدمی بود. پرندگان، با عادات پروازی خود، انتخابی طبیعی برای گرگویل ها بودند (تصویر ۷).

### گرگویل های انسانی

تعداد گرگویل های انسانی اگرچه به اندازه گرگویل های حیوانی نیستند، اما بسیار متنوع و از لحاظ آناتومی و ظاهر بیشتر عجیب هستند تا زیبا و قابل تمجید. ویژگی ناقص آنها

۱- "قصص حیوانات" کتاب های مصوری از حیوانات حقیقی و خیالی با توصیفی از عادات آنها بودند که با القاء معنویت، مشخصات و رفتار آنها را با روش زندگی مسیحیت تطبیق می دادند. اساس این مجموعه ها در قرون ۲ و ۳ میلادی ریخته شد و در قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی به اوج شهرت رسید، که از لحاظ قدمت و جغرافیا با گرگویل ها منطبق می باشد. (Kunst der Romanik, 1956:239)



تصویر (۱۰): گرین من با پایهای مارگون



تصویر (۸): مرد زمزمه گر، شهرداری بروسلز

### گرگویل های ترکیبی

گرگویل های ترکیبی را نیز می توان به چند گروه زیر دسته بندی کرد:

- "انسان- گیاه"
- "انسان- حیوان- گیاه"
- "انسان- حیوان"
- "حیوان- حیوان"

### گرگویل های "انسان- گیاه"

بیشترین نقوش گرگویل ها به شکل "انسان- گیاه"، "گرین من" (Green man) هستند که در بیشتر کلیساهای اروپا وجود داشته و دارای اهمیت فوق العاده ای هستند. این نام در سال ۱۹۳۹ توسط خانم رگلان ثبت شد و شامل نقش سر انسانی است که اطراف آن را گیاهان در برگرفته و یا گاهی از دهان، بینی، چشم و یا گوش هایش جوانه زده است. همچنین می تواند صورتی سراسر ترکیب شده از برگ ها باشد. این نقش اولین بار در قرن یازدهم میلادی در کلیساهای ظاهر شد و می توان آن را تا دوران روم دنبال کرد.

گرین من که همچنین "انسان- سبزی" یا "انسان- برگ" نام دارد، نمایانگر روح درخت بلوط، خدای قدیم جنگل می باشد. در دوران قبل از مسیحیت، نمادی از حاصل خیزی و تولد دوباره و زندگی شاد با نیروی طبیعت بود.

(Benton, 1997: ۷)

نشانه ترس، فریاد، خنده و یا گریه است. (تصویر ۸) تعدادی با دهان کشیده که ممکن است به گناه پر خوری یا شکنجه کردن حضرت مسیح و تف کردن و سیلی زدن به صورت او اشاره داشته است.

زبانی بیرون آمده می تواند به عنوان نمادی از خائنان، بدعت گذاران و کافران باشد و نیز ممکن است چون نمادی از "امتناع"، موظف به دور نگاه داشتن اهریمن باشد (تصویر ۹). هنرمندان قرون وسطی گاهی شیطان را در حال زبان درازی به قربانیانش (به منظور ریشخند کردن آنها) نشان می دادند.



تصویر (۹): گرگویل انسانی، شهرداری بروسلز.



تصویر (۱۲): تریتون (موجود دریائی)، کلیسای سانتا ماریا، میلان.

### گرگویل های "انسان- حیوان"

شمایل نگاری مسیحیت، ترکیبات "انسان- حیوان" را به عنوان نماد سه تن از چهار انجیل نویس استفاده نموده است. متی به شکل انسانی بالدار، مارک، شیر بالدار و لوک گاو نربال دار معرفی شده، اما جان تنها به شکل یک عقاب نشان داده شده است. (Benton, ۱۹۹۷: ۱۱۷)

این گرگویل ها از ترکیب "نیمی انسان- نیمی حیوان" بوجود آمده اند. گرگویل کلیسای سانتا ماریا در فلورانس با سر انسانی که به بدن مختصر شده یک حیوان وصل شده (تصویر ۱۱)، یا گرگویلی شامل سر و بدن انسان و دم ماهی بجای پا، به شکل پری دریایی (تصویر ۱۲) از نمونه های این گروه می باشند. در این گروه، برخی از گرگویل ها دارای ترکیبات پیچیده تری هستند؛ در کلیسای جامع میلان گرگویلی با سر اردک، نیم تنه و بازوهای انسان و دم سوسمار، موجودی عجیب الخلقه را که قادر به زندگی در زمین، آسمان و دریا می باشد پدید آورده که بازگو کننده اوج تخیل انسان می باشد (تصویر ۱۳). (Benton, 1997:122)



تصویر (۱۳): گرگویل "حیوان-حیوان" با ترکیب پیچیده، کلیسای جامع، میلان.



تصویر (۱۱): گرگویل "انسان-حیوان"، ضلع جنوبی کلیسای سانتا ماریا.

می توان سه نوع رایج ترگراین من را به صورت زیر طبقه بندی نمود:

- الف- گرین من با شاخ و برگ های بیرون زده از دهان.
- ب- گرین من با شاخ و برگ های بیرون آمده از سوراخ های صورت، همانند بینی، گوش ها و چشم ها.
- ج- گرین من با سر کاملاً پوشیده شده از شاخ و برگ، که خود به دو گروه زیر تقسیم می شود:
  - ۱- سر از ترکیب شاخ و برگ ها، شکل گرفته است.
  - ۲- سر در شاخ و برگ ها پنهان و از پشت آنها نمایان می شود.

### گرگویل های "انسان- گیاه- حیوان"

این نوع گرگویل ها شباهت بسیاری به گرگویل های "انسان - گیاه" دارند، که در آنها بخشی از بدن حیوان نیز بکار رفته است به عنوان مثال "گرین من" با پاهای دم گونه حیوانی یا دمی شبیه مار یا دم ماهی (تصویر ۱۰)، و یا پیوند دادن شاخی از یک حیوان به صورت انسانی سراسر پوشیده شده از برگ ها.

از این شیوه در ساخت سرستون های تخت جمشید که حامل تیرهای سقف بودند نیز استفاده شده است و از این منظر قابل مقایسه و تطابق کاربردی ( به عنوان یکی از اجزای معماری) و مفاهیم نمادین با گارگویل های قرون وسطی می باشند. در اینجا پس از بررسی سرستون های تخت جمشید به مقایسه آنها با گارگویل ها می پردازیم.

### سرستون های تخت جمشید

**موجودات تلفیقی و واقعی سرستون های تخت جمشید**  
در سنگ نگاره های تخت جمشید تعداد زیادی جانوران واقعی و خیالی دیده می شود. بخشی از شهرت تخت جمشید مدیون ستون ها و سرستون های زیبای آن است. هخامنشیان به ستون سازی اهمیت فراوان می دادند. تخت جمشید یک زیارتگاه مقدس ملی بود که برای برگزاری جشن های نوروزی مورد استفاده قرار می گرفت. دکتر مهرداد بهار تخت جمشید را "باغی مقدس با درختانی سنگی" قلمداد کرده است.

(بهار، ۱۳۷۲: ۱۰)

ستون ها، از پایه تا جانور سرستون مظهر برکت مقدس الهی است و ستون ها خود نماد درختان هستند. (همان: ۲۳) سرستون ها غالباً به شکل شیر، اسب، گاو، عقاب و حیوانات تلفیقی مانند سرانسان، تن گاو، بال عقاب و گوش گاو هستند.

### کاربرد

در عصر هخامنشی به احتمال زیاد، ستون هایی که سرستون کامل داشتند در بخش داخلی تالارها و ساختمان ها بکار برده شده ولی در ایوان های ستون دار که در سه طرف تالارها قرار داشتند نیم تنه ی گاوها و سایر موجودات افسانه ای مستقیماً روی ستون قرار می گرفتند.

سرستون های هخامنشی، بطور پیش آمده، از دو گاو و یا دو حیوان افسانه ای پشت به هم کرده تشکیل شده اند (تصویر ۱۵). ستون به علت سرستونش که به شکل سر حیوانات ساخته می شده از مجموعه ترکیبی عناصر دیگر ساختمان های تخت جمشید بیرون نمی ماند. (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۲۱۴) به کمک ستون ها و سرستون های عظیم، سقفی آسمان گونه بر تالارهای سرپوشیده تخت جمشید کشیده بودند تا گنجایش پذیرائی از هزاران نفر را داشته باشند. معماران یونان برعکس ایرانیان به بیرون ساختمان توجه بیشتری داشته اند.

شیوه خلق موجودات تخیلی و حیوانات واقعی پشت به پشت از شیوه های مهم و مرسوم در سرستون سازی تخت جمشید است. این تکنیک به معماران اجازه داده که از فضای بوجود آمده در پشت حیوان ها به عنوان حامل تیرهای چوبین سقفها استفاده کنند. بنابر این در اینجا هم این موجودات (همانند گرگویل ها) علاوه بر کاربرد تزئینی و نمادین، جزئی از عناصر ساختمانی و کاربردی بنا می گردند.

در اوستا آمده است که میترا در رفیع ترین آسمان ها در کاخ



تصویر (۱۴): گرگویل "حیوان-حیوان"، کلیسای دانشگاهی سنت وادرو، مونز بلژیک

### گرگویل های "حیوان-حیوان"

منشاء این موجودات می تواند تنها در بعضی موارد قابل توصیف باشد. بعضی ممکن است نتیجه ی سو تفاهم ها و سوء برداشت ها از واقعیات باشد. به عنوان مثال ریشه خلقت حیوانات عجیب و غریبی مانند اسب تک شاخ به کرگدن باز می گردد. و شاید در مواردی اغراق بیش از حد باعث خلق چنین آثاری گشته است.

اژدها نیز به عنوان یک موجود ترکیبی "حیوان-حیوان" شناخته شده است، که تنوع زیادی در ظاهر آن وجود دارد ولی معمولاً دارای دو بال، پاها و یک دم سوسماری بلند و یک پوزه بلند با دندان های نمایان که جلوه ای ترسناک دارد. آنها معمولاً نماد شیطان یا اهریمنان هستند. تنوع زیاد در تصویر موجودات اهریمنی را به اعتقاد به توانائی تغییر شکل شیطان متناسب می کنند (تصویر ۱۴). (Benton 1997: ۱۰۵)

این گرگویل ها را می توانیم به نام ترکیبات "حیوان-حیوان" بنامیم. یکی از انواع مشهور آن گریفین یا شیر دال است که ترکیبی از سر شیر و بدن عقاب می باشد.

عناصر معماری به اشکال مختلف حیوانات تخیلی و واقعی، علاوه بر استفاده عملی، دارای مفاهیم نمادین نیز می باشند.



تصویر (۱۵): طرح سرستون تخت جمشید و قرارگیری تیرهای حامل سقف، طراحی بوسیله اوژن فلاندن.





تصویر (۱۸): لاماسو، سر ستون ترکیب "انسان-حیوان"، ایوان شمالی کاخ صد ستون، موزه دانشگاه شیکاگو.



تصویر (۱۷): سر ستون شیر شاخ دار پشت به پشت، تخت جمشید.



تصویر (۱۶): سر ستون گاو پشت به پشت، موزه دانشگاه شیکاگو.

در نتیجه ی این گروه بندی سر ستون های تخت جمشید به دو دسته تقسیم می شوند:

- ۱- جانوران خیالی
- ۲- جانوران واقعی

موجودات خیالی خود در بر گیرنده ی دو گروه موجودات تلفیقی هستند:

- ۱- ترکیبات "انسان- حیوان"
- ۲- ترکیبات "حیوان- حیوان"

زرین هزار ستون می زیسته است. ساخت کاخ آپادانا تحت تأثیر این اعتقادات نیز بوده است. گاو، شیر و شاهین در اعتقادات کهن ایرانی جایگاه ویژه ای داشته اند. (پور عبدا...، ۱۳۸۴: ۱۲۶)

این سر ستونها برای آن روزگار دارای مفاهیم شناخته شده بوده و محل قرار گرفتن آنها در هر جا از روی اصول و اعتقادات و نوع استفاده محل بوده است. (همان: ۱۲۷) تزئینات و ساختار نقش برجسته های تخت جمشید بر طبق نقشی که هر کدام در تشریفات و پذیرایی های عظیم عید نوروز داشتند ساخته شده بودند. (گیرشمن، ۱۳۷۶: ۶۷)

روی هم رفته موجودات خیالی در تخت جمشید جنبه طلسم و حفاظت از بناها را به عهده داشتند، به عبارتی نگهبان کاخ ها بودند.

چهار نوع سر ستون مختلف برای ستون های تخت جمشید می توان در نظر گرفت:

- ۱- سر ستون هایی به شکل دو نیم تنه گاو نر که پشت به هم قرار دارند (تصویر ۱۶).
  - ۲- سر ستون هایی به شکل دو نیم تنه شیر (تصویر ۱۷).
  - ۳- سر ستون هایی به شکل انسان با تنه گاو بالدار موسوم به لاماسو (تصویر ۱۸).
  - ۴- سر ستون هایی به شکل حیوان افسانه ای عقاب با تنه شیر که اصطلاحاً گریفین خوانده می شوند (تصویر ۱۹).
- سر ستون های حیوانات و موجودات پشت به پشت از شاهکار های هنر سنگتراشی و معماری هنر هخامنشی است که تأثیر آن در هنر و معماری تمدن های دیگر قابل ملاحظه است.



تصویر (۱۹): سر ستون به شکل گریفون های پشت به پشت.

## سرستون گاو

برخی از حیوانات موجود در تخت جمشید بر روی سرستون‌ها و یا دیوارهای کنار پله‌ها نقش شده‌اند. نقاطی که این نقوش برجسته در آن جا قرار داده شده، از نظر اصول کلی ساختمانی اهمیت زیادی دارند و مکان‌های حساس بوده‌اند که می‌باید تحت حمایت ویژه قرار گیرند. (کوه نور، ۱۳۸۳: ۴۴)

در تخت جمشید، ستون‌هایی وجود دارد که در بالای آنها دو گاو وجود دارد که نماد نیروی تولید و پیدایش هستند و روی این دو ستون یک تیر چوبی قرار داده‌اند. این چوب‌ها، انسان را به یاد گهواره‌ای می‌اندازد که اساسش روی دو گاو قرار گرفته و معنای گهواره‌ی تمدن را زنده می‌کند.

بنا بر تفسیر فوق، می‌توان ادعا کرد که مقصود از ایجاد چنین نقشی، حفاظت و رودی‌های کاخ در برابر موجودات اهریمنی بوده است. بنابراین، این نقوش احتمالاً خاصیت دفع چشم زخم یا پیشگیری از خطر یا زیان را داشته‌اند و اثر عناصری را که همواره موجب وحشت و اضطراب قدما بوده را خنثی می‌نمودند. (همان: ۵۸)

گذشته از این، شکل فوقانی سرستون‌ها که از قسمت قدامی دو حیوان ترکیب یافته بود نیز ارزش پیشگیری از چشم زخم را داشت. (همان: ۶۱-۵۹)

این مطلب بسیار جالب است که در مشرق زمین، از قرون اولیه هزاره اول پیش از میلاد، نظایر چنین شکل‌های ترکیبی دربرگیرنده‌ی قسمت‌های قدامی دو گاو که از پشت به هم چسبیده‌اند، به صورت طلسم یا "نظر قربانی"، علیه چشم زخم به کار برده می‌شد. در مقابل این دو ردیف اشکال که به صورت سرستون‌ها یا "نظر قربانی" به کار برده می‌شود، در جهان نمادها نیز نقوش مشابهی دیده می‌شود.

در این جا نیز به خوبی مشاهده می‌گردد که موضوع نقش گاو، دارای مفاهیم متعدد است. گاهی مفهوم این نقش، حمایت ساکنان کاخ در برابر عنصر اهریمنی است که این موضوع دارای یک وجه اشتراک با کاربرد گرگوبیل‌ها در استفاده آن‌ها به منظور دور کردن شیاطین و نیروهای اهریمنی می‌باشد. گاهی هم برای پیشگیری از چشم زخم، به این طریق مجسم گردیده است که مانند "نظر قربانی" مورد حمله قهرمان یا حیوانی نظیر شیر قرار می‌گیرد.

گاو جزو حیوانات مورد احترام هخامنشیان بوده و در آن زمان کشتن و قربانی کردن آن منع شده بود. نقش پیکره‌های گاو در بیشتر سرستون‌های کاخ تخت جمشید دیده می‌شود. استفاده از وسایل هنری که با نقش گاو ساخته شده‌اند وابستگی آنها به جهان پیش از مرگ و اعتقاد به مسأله‌ی خلقت را نشان می‌دهد. (پورعبدا...، ۱۳۸۴: ۱۵۸) سرستون گاو به خاطر اعتقادی که بسیاری از مردم کشورهای تحت تابعه امپراتوری بزرگ هخامنشیان به پربرکت بودن و زایش گاو داشته‌اند، در بسیاری

از کاخ‌ها استفاده شده است. سرستون‌های به شکل گاو نشسته، نمادی از باروری و برکت می‌باشند.

گاونر در ایران باستان، علاوه بر اینکه عمل زراعت و شخم زدن را بر عهده داشته، اساس زندگی کشاورزی در آن روزگار برای انسان بوده است.

گاو اولین حیوان آفریده شده توسط اهورامزدا و سرمنشاء همه حیوانات است. گاو نر قدرت و نیروی تولیدمثل است. پرستش گاو نر در مصر، خاورمیانه باستان، شرق مدیترانه و هندوستان بوده که بعدها به یونان و روم و بخش‌هایی از اروپا نیز سرایت کرد. در بین النهرین و مناطق مجاور، تصاویر گاوهای نر با حاصل خیزی و تجدید حیات در ارتباط بود و در ادوار بسیار کهن گاو نر بیشتر نماد خدای حامی شهر به شمار می‌رفت.

## سرستون شیر

شیر در نزد مادها و پارسی‌ها، جلوه‌ای از جلوه‌های میترا یا مهر بوده است که پس از اهورامزدا گرمی‌ترین فرشته می‌باشد. وجود تصویر شیرهای کنده کاری شده بر سر در آرامگاه‌های پادشاهان هخامنشی به جای تصویر مهر نشانی از اعتقادات این قوم به معاد است. (یاحقی، ۱۳۷۵: ۱۵۸)

به نظر می‌رسد که سرستون‌هایی که به شکل شیرشاخدار می‌باشند نمادی از خورشید (میترا یا مهر نگهبان پیمان و راستی) است. این سرستون فقط در ایوان شرقی کاخ آپادانا یعنی تنها ایوانی که در تخت جمشید رو به مشرق، محل طلوع خورشید قرار گرفته، نصب شده است. (پورعبدا...، ۱۳۸۴: ۱۲۷) کاخ آپادانا مهمترین کاخ تخت جمشید (و نیز مهم ترین کاخ امپراتوری بزرگ هخامنشیان) بوده و این سرستون به علت قدرتمندی شیر، در آن استفاده شده است.

در نزد ایرانیان فرشته‌ی پیمان، صلح، دوستی، شجاعت، راستی و راست کرداری و پهلوانی و حامی مردم و گردآورنده آنها و مخالف دروغ و پیمان شکنی بوده است. ایرانیان برای فرشته‌ی مهر در مهرگان جشنی داشته‌اند که خاطره فتح و پیروزی ایرانیان را به یاد می‌آورد، و روز زایش خورشید و روز آفرینش انسان و گسترده شدن زمین را در مهر ماه می‌دانستند. (همان: ۱۶۰-۱۵۹)

## سرستون انسان

سرستون انسان، در تالار شورا (به علت اینکه مهم ترین و حساس ترین تصمیمات و رایزنی‌های یک سال کشور در آنجا گرفته می‌شده) و به خاطر هوشمندی انسان، قرار گرفته است. دو موجود خیالی با سر انسان، بال‌آفرشته عقاب و بدن گاو، در گاه شرقی دروازه ملل را تزیین کرده‌اند (عقاب نشان پرچم ایران باستان بوده) که نماد قدرت، محافظ زندگی، شادی و حافظ سرزمین و مردم می‌باشند. (پورعبدا...، ۱۳۸۴: ۱۴۱)

## سرستون عقاب

سرستون عقاب، که تنها سرستون صد در صد ایرانی و خاص ترین سرستون تخت جمشید است (یعنی بر اساس اعتقادات هخامنشیان ساخته شده است)، قرار بوده که در کاخ نیمه تمام

داریوش سوم ساخته شود، به دلایلی هرگز کاخ ساخته نشد و این سرستون هرگز نصب نشد. (همان: ۱۴۲)

تفاوت بین مجسمه های ورودی و خروجی نشان می دهد که مجسمه ها نه تنها برای تزئین، بلکه برای گفتن عقیده ها ساخته شده اند. لازم به ذکر است که این سرستون ها علاوه بر جنبه ی اعتقادی و تزئینی، دارای کاربرد اساسی نیز می باشند، آنها با سرستون های دوسردیسی شکل، سقف را نگه می دارند.

### سرستون گریفین

سرستون با نقش عقاب با پنجه های شیر و گوش بلند شبیه گاو (گریفین)، نشان اقتدار در آسمان و زمین و مظهر جلال و عظمت شاهان ایرانی است. شاهین یا عقاب نماد اهورمزدائی است که نقش پرچم ایران باستان هم بوده است. نمادهای به کار برده شده برای شیر و عقاب در این موجود افسانه ای جمع می گردد. گریفین نیز مفهوم حمایت در برابر عناصر اهریمنی را دارد و در بالای برخی از ستون ها قرار گرفته است.

"اصل و منشاء این موجود ترکیبی را باید در مصر جستجو کرد نه در بین النهرین. در بین النهرین، این موجود افسانه ای فقط گاهی متظاهر می شود، در صورتی که ظاهرش اختلاف جزئی دارد و بیشتر به دوران های بسیار کهن متعلق است، ولی در مصر از دوران امپراطوری قدیم، در میان نقوش اهمیت فوق العاده ای داشته است. سر او شبیه سر عقاب است که روی بدن شیر قرار گرفته و بال دارد و یا بدون بال است، و فرعون را تحت حمایت خود گرفته و بر دشمنان او پنجه می زده است. این موجود افسانه ای، در حدود نیمه اول هزاره دوم پیش از میلاد، از دره نیل به ناحیه شام انتقال داده شده است." (کوه نور، ۱۳۸۳: ۶۸)

### تجزیه و تحلیل و مقایسه تطبیقی

در بررسی و مقایسه گرگویل ها و سرستون های تخت جمشید به لحاظ کاربردی و نمادین، موارد ذیل منتج می گردد:

### نتیجه گیری

گرگویل ها را می توان بر اساس ظاهر و شکل به سه گروه انسانی، حیوانی و ترکیبی طبقه بندی نمود. برای انواع ترکیبی چهار گروه مشخص نمود:

- "انسان - گیاه"

- "انسان - گیاه - حیوان"

- "انسان - حیوان"

- "حیوان - حیوان"

سرستون های تخت جمشید به طور کلی شامل دو گروه می باشند:

- حیوانات واقعی

- حیوانات تلفیقی

حیوانات واقعی شامل شیر، گاو و عقاب می باشند و حیوانات تلفیقی را می توان به دو دسته زیر طبقه بندی نمود:

۱- سرستون های "حیوان-حیوان": به شکل گریفین (سر عقاب با بدن شیر)

۲- سرستون های "انسان-حیوان": به شکل لاماسو (سر انسان با بدن گاو بالدار)

تنوع ساختاری ترکیبی گرگویل ها شاید به قدرت و توانایی تغییر شکل شیطان و نیروهای اهریمنی باز گردد. بسیاری از این

- گرگویل ها، با ظاهر عجیب و هراس آورشان، با نماد شر و اهریمنی، تنها در بیرون از کلیساها نمایان می شوند و کلیساها را آذین می بخشند. در حالی که موجودات خیالی تخت جمشید با تقدس خاصی که داشتند، در درون بنا بکار گرفته شده اند و همه نقش ها، شکوه و عظمت و بزرگی را می نمایند. معماران هخامنشی به فضای درونی و تزئینات آن اهمیت بسیاری داده اند. در صورتی که در ساختمان های قرون وسطی، افزون بر تزئینات درونی به بیرون ساختمان هم توجه ویژه ای نشان می دادند. سازندگان و هنرمندان، یک تعادل میان زیبایی درون و زشتی بیرون کلیساها ایجاد کرده اند.

- ساخت هر یک از سرستون های تخت جمشید در مکانی ویژه، بر اساس اعتقادات و باورهای پارسیان به حیوانات گوناگون بوده است، که هر حیوان بر پایه ی ارزش، احترام و نمادی که در نزد آن ها داشته است در مکان های گوناگون بکار برده می شد برای نمونه، سرستون های لاماسو که ترکیبی از سرانسان و بدن حیوان می باشد، تنها در تالار شورا قرار گرفته اند. ساخت گرگویل ها نیاز به مکان خاصی نداشته و هر کجا در بیرون کلیساها به کار برده شده اند.

- گرگویل ها، از لحاظ کاربردی به عنوان آبراه مورد استفاده قرار می گرفته اند، اما سرستون های تخت جمشید، به شکل جفتی و پشت به هم بر بالای ستون ها جای داده شده و بر روی کمر آن تیرهای چوبی سقف قرار داشته اند.

شیوه خلق موجودات تخیلی و حیوانات واقعی پشت به پشت از شیوه های مهم و مرسوم در سرستون سازی تخت جمشید بوده است. این تکنیک به معماران اجازه داده است که از فضای موجود آمده در پشت حیوان ها به عنوان حامل تیرهای چوبین سقف ها استفاده گردد. این گونه که آن ها سقف تالارهای عظیم تخت جمشید را نگه می داشته اند. بنابر این در اینجا هم این موجودات، همانند گرگویل ها، افزون بر کاربرد تزئینی و نمادین، جزئی از عناصر ساختمانی و کاربردی بنا می گردند. که این یک وجه اشتراک با گرگویل ها دارد.

حکاکی ها، به اعتقادات انسانهای قرون وسطی و ماقبل آن بازمی گردد، بر این باور بودند که می توان از گرگویل ها به منظور دور نگاه داشتن شیطان و نیروهای اهریمنی، استفاده نمود.

سرستون شیر یکی از مهم ترین سرستون های تخت جمشید می باشد. شیر، در نزد ایرانیان باستان جایگاه ویژه ای داشته و نشانی از شجاعت و دلیری بوده است که این یکی از وجوه اشتراک میان گرگویل هایی به شکل شیر و سرستون های شیر تخت جمشید است.

نکته دیگر این که گستردگی استفاده از حیوانات گوناگون در میان گرگویل ها بسیار بیشتر از سرستون های تخت جمشید می باشد. سرستون های شیر، عقاب و گاو در تخت جمشید به اعتقادات مردم باستان به این حیوانات باز می گردد که نمادی از خیر، برکت، شجاعت و نیرومندی می باشند. در صورتی که برای ساخت گرگویل ها از گونه های مختلف حیوانی الهام گرفته شده است.

## منابع

- ۱- بلک، جرمی و آنتونی گرین، ۱۳۸۳، فرهنگ نامه خدایان، دیوان و نمادهای بین النهرین باستان(مصور)، پیمان متین، امیرکبیر، تهران.
- ۲- بهار، مهرداد، ۱۳۷۲، تخت جمشید، ناشر کسرائیان، تهران.
- ۳- پورعبدا...، حبیب ا...، ۱۳۸۴، تخت جمشید از نگاهی دیگر، کلهر، تهران.
- ۴- شهبازی، علیرضا شاپور، ۱۳۸۴، راهنمای مستند تخت جمشید، بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد، انتشارات سفیران، تهران.
- ۵- کوه نور، اسفندیار، هنرهای سنتی ایران، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۳.
- ۶- گیرشمن، رومان، ۱۳۷۶، تاریخ هنر ایران (۱) فرهنگهای هنری ایران، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.
- ۷- گیرشمن، رومان، ۱۳۷۱، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه، عیسی بهنام، انتشارات علمی فرهنگ، تهران.
- ۸- یاحقی، محمد جعفر، ۱۳۷۵، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، انتشارات سروش، تهران.
- 9- BENTON, Janetta Rebold, (1997), Holy Terrors: Gargoyles on Medieval Buildings, Abbeville Press, New York.
- 10- BRIDAHAM, Lester Burbank, (1930), Gargoyles, Chimeras, and the Grotesque in French Gothic.
- 11- CRIST, Darlene Trew, (2001), American Gargoyles: Spirits in Stone, Clarkson Potter, New York.
- 12- Dictionnaire Encyclopedique, 2000, éditions Larousse-Bordas, Paris.
- 13- Evans, E.P, 1896, Animal Symbolism in Ecclesiastical Architecture, W. Heinemann, London.
- 14- Longman Dictionary of Contemporary English (DCE),(1995),Harlow, Longman.
- 15- Sculpture, Architectural Book publishing Co., Inc, New York,
- 16- SEDGWICK, John P., Jr., (1991), Gargoyle, In: Encyclopedia Americana, Dansbury, Conn.
- 17- SMIRKE, Sydney, (1862),"Lectures on Architectures at the Royal Academy" in the Civil Engineering and Architects Journal, Vol. 25. London: W. Kent & Compan.
- 18- The American Heritage Dictionary of the English Language, (2000), Boston and New York, Houghton Mifflin.
- 19- TRUBSHAW, Bob, 1999, posting in Britarch archives
- 20- VAUX, J.H, 1989, the Canterbury Monsters, Meresborough, Gillingham.